

مراجع اعلی سید ابوالقاسم خویی

زعیم حوزہ علمیہ

دکتر طراد حمادہ

ترجمہ

دکتر علی اسودی

عضو ہیئت علمی دانشگاه مذہب اسلامی

سرشناسه: حماده، طراد Hamadah, Tarrad
 عنوان قراردادی: الامام ابوالقاسم الخوئی زعيم الحوزة العلمية. فارسی
 عنوان و نام پدیدآور: مرجع اعلی سید ابوالقاسم خویی زعيم حوزة علمیه / طراد حماده؛
 ترجمه علی اسودی.
 مشخصات نشر: تهران: انتشارات دارالصفاء، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری: ۲۶۹ ص.: مصور.
 وضعیت فهرست نویسی: فیفا
 موضوع: خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۲۷۸ - ۱۳۷۱.
 موضوع: فقیهان شیعه -- سرگذشته
 موضوع: Faqihs, Shiite -- Biography*
 موضوع: مجتهدان و علما -- ایران
 شناسه افزوده: اسودی، علی، ۱۳۵۷ - مترجم
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ج ۸ خ ۹ / BP۱۵۳/۵
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۹۲۴
 شماره کتابشناسی دی: ۴۹۴۲۰۲۰



مرجع اعلی، سید ابوالقاسم خویی؛ زعيم حوزة علمیه
 دکتر طراد حماده

ترجمه دکتر علی اسودی

ویراسته نورمحمد خادمی فر

نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰

ناشر: انتشارات دارالصفاء (وابسته به مجمع خویی ها مقیم استان تهران)

صفحه آرا: زهرا شاهشوند

طراح جلد: سید عبدالصاحب مرفاتی

چاپ و صحافی: مؤسسه فرهنگی - هنری مشعر

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۷۲۱-۳-۴

ISBN: 978-600-96721-3-4

آدرس انتشارات: تهران، خ. آذربایجان، تقاطع کارون، رو به روی بیمارستان شهریار، پ. ۱۰۳۹

تلفن: ۶۶۳۶۷۷۷

Email: darossafa.nashr@gmail.com

Telegram: @darossafa

حق انتشار محفوظ و متعلق به ناشر است

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۷
فصل اول: آیت الله خویی در خوی	۱۳
در خوی	۱۴
حکومت و فقها	۱۷
خوی و شرایط جغرافیایی و تاریخی	۱۹
جغرافیا، خوی	۲۳
رودهای خوی	۲۵
اراضی خوی	۲۶
آب و هوای شهر خوی	۲۶
مناطق تابع شهر خوی	۲۷
تاریخ خوی	۲۷
صنعت گری در خوی	۳۰
تجارت در خوی	۳۱
خلق و خوی اهالی خوی	۳۱
موقعیت راهبردی شهر خوی	۳۲
نام گذاری خوی	۳۲
تولد سید ابوالقاسم خویی و نشو و نماى ایشان	۳۳
نام ایشان	۳۴
نسب ایشان	۳۵
القاب ایشان	۳۶
تربیت خانوادگی	۳۶
مرحله اول کودکی و زندگی زیر سایه خانواده	۴۱
مرحله کودکی نزدیک به بلوغ و تحصیلات ابتدایی	۴۳
حوادث مشروطه و استبداد و مهاجرت خانواده	۴۶

۴۹	قیام رشت و تبریز و پایان خاندان قاجار
۵۱	مهاجرت سید علی اکبر خویی به نجف اشرف
۵۳	فصل دوم: آیت الله خویی در نجف اشرف
۵۴	در نجف
۵۹	جامعه دینی شیعه ۱۲ امامی
۶۱	عشق به نجف و جایگاه علمی آن
۶۵	نجف اشرف در سال های نخستین قرن بیستم
۶۸	امای نجف
۷۰	تسیمات اداری
۷۲	آب و هوای نجف
۷۴	پارسایی در نجف و آداب و رسوم آنها
۷۹	درس خواندن سید ابوالقاسم خویی در نجف اشرف
۸۷	سید ابوالقاسم خویی دانش آموز
۸۹	در مرحله سطوح و سطح علمی
۹۰	زندگی علمی در مرحله مقدمات سطوح
۹۸	جنبش سیاسی در نجف اشرف
۱۰۰	اشکال مختلف جنبش های سیاسی و رویدادها
۱۰۱	موضع گیری نجف در خصوص انقلاب مشروطه در این
۱۰۷	اثر گذاری این دوران بر تحصیلات سید ابوالقاسم خویی
۱۰۷	سید ابوالقاسم خویی در کوران حوادث
۱۱۱	فصل سوم: بحث خارج
۱۱۲	در مرحله بحث خارج
۱۱۸	تحصیلات سید ابوالقاسم خویی در درس خارج
۱۲۴	زندگی علمی در مرحله درس خارج
۱۲۵	حوزه
۱۲۵	استادان

۱۲۷	 طلبه
۱۳۳	 گواهی‌ها در مورد اجتهاد ایشان
۱۳۷	فصل چهارم: دیدگاه‌های تربیتی استاد
۱۳۸	 آیت‌الله خویی و دیدگاه تربیتی ایشان
۱۴۲	 گرایش‌های آموزشی - تربیتی آیت‌الله خویی
۱۴۳	 تدریس آیت‌الله خویی در مرحله تعیین سطح
۱۴۵	 ویژگی‌های آیت‌الله خویی در حوزه نجف
۱۵۰	 آداب عالم
۱۵۳	 آیت‌الله خویی استاد درس خارج
۱۵۹	فصل پنجم: راه تربیتی
۱۶۰	 مقام استادی راه مرجعیت طبق تعده اعلمیت
۱۶۶	 محل تدریس
۱۶۹	 مسجد الخضراء
۱۷۳	 انواع علوم در دروس آیت‌الله خویی
۱۷۵	 آیت‌الله خویی و تدریس علم فقه
۱۷۵	 آیت‌الله خویی و تدریس کتاب المکاسب
۱۷۶	 تدریس کتاب العروه الوثقی توسط آیت‌الله خویی
۱۸۰	 تدریس علم اصول توسط آیت‌الله خویی
۱۸۳	 آیت‌الله خویی و تدریس تفسیر قرآن کریم
۱۸۹	فصل ششم: روش تدریس
۱۹۰	 روش آیت‌الله خویی در تدریس فقه
۱۹۳	 روش آیت‌الله خویی در تدریس اصول
۱۹۹	 راه و روش آیت‌الله خویی در تفسیر
۲۰۳	 اسلوب و راه و روش تدریس آیت‌الله خویی
۲۰۶	 راه و روش تدریس آیت‌الله خویی
۲۰۶	 روش استقرا و قدرت جدل

۲۰۶	 روش شفاهی و سخنرانی
۲۰۷	 مقدمات و تهیه دروس
۲۰۷	 کلاس درس و کیفیت آن
۲۱۰	 تدریس به زبان عربی
۲۱۳	 فصل هفتم: نوگرایی در حوزه
۲۱۴	 تجدید و نوگرایی در روش و برنامه تدریس و امور حوزه
۲۱۵	 بعضی از تأثیرات تجدیدگرایی در حوزه
۲۱۸	 رابطه عالم و متعلم
۲۲۵	 فصل هشتم: مرجعیت
۲۲۶	 مرجعیت آیت الله خویی
۲۲۸	 خدمات اجتماعی آیت الله خویی
۲۳۳	 روش و سبک علم آیت الله خویی
۲۳۴	 شاگردان آیت الله خویی
۲۳۸	 تألیفات آیت الله خویی
۲۳۹	 نوشتن پژوهش‌ها و دروس آیت الله خویی
۲۴۱	 پیوست‌ها
۲۴۹	 شجره منابع و مراجع
۲۵۳	 تصاویر
۲۶۵	 منابع و مآخذ

مقدمه

مرجع عالیقدر سید ابوالقاسم خویی در شرایط دشوار و پیچیده‌ای وفات یافت. این باعث شده است تلاش‌ها برای نوشتن مطالبی در مورد مرجعیت ایشان و حوادثی که این مرجع عالیقدر با آن روبه‌رو بود و همچنین دستاوردهای ایشان در طول زندگی شریف و پربراشان، مهم و بسیار ظریف‌تر و دقیق‌تر از شرایط مشابه باشد.

رژیم صدام، سید ابوالقاسم خویی را از دو سال پیش از وفات‌شان در اقامت اجباری قرار داد. در این زمان عراق با دو نوع محاصره مواجه بود: اول از سوی رژیم صدام که مردم را شدیداً در تنگنا قرار می‌داد و دوم جامعه بین‌الملل که اقدام به محاصره و تحریم رژیم صدام کرده بود.

در این شرایط، نه تنها از مسافرت سید ابوالقاسم خویی به خارج از عراق برای درمان ممانعت به عمل می‌آمد، بلکه حتی اجازه داده نمی‌شد داروهای مورد نیاز به صورت منظم به ایشان برسد یا ایشان مراقبت‌های پزشکی لازم که اوضاع جسمانی ایشان نیازمند آن بود و اقتضای آن را داشت، صورت بگیرد. همه این‌ها به خاطر اقدامات انتقام‌جویانه از ایشان، مرجعیت‌شان، اراد خانواده، شاگردان و مسئولان دفترشان بود. در این شرایط، ابراهیم، یکی از فرزندان ایشان و همچنین ده‌ها نفر از فضلاء حوزه علمیه و مجتهدان بزرگ، زندانی و ده‌ها نفر دیگر نیز از این گروه انسان‌های شریف، آواره یا تبعید شدند. عبدالمجید، فرزند دیگر سید ابوالقاسم خویی یکی از این افراد بود. همچنین بسیاری از خویشان، یاران و بزرگان روزه به این سرنوشت دچار شدند.

از آن‌جا که مقامات سابق عراقی در رژیم صدام از واکنش مردمی در خصوص شرایط وفات سید ابوالقاسم خویی که آن را ترور عمدی می‌دانستند، وحشت داشتند، به خانواده و شاگردان ایشان دستور دادند هیچ گونه آداب و مراسم تشییع جنازه معمول برگزار نکنند. حتی تأکید کردند آن‌ها اجازه برگزاری مجلس ترحیم و نثار فاتحه به مناسبت وفات این مرجع عالیقدر را ندارند.

مراسم تدفین به صورت مخفیانه و در تاریکی شب، با حضور عده‌ای که شمارشان از انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کرد، برگزار شد. فشارهای شدید بر مردم عراق و به‌ویژه حوزه‌های علمیه افزایش یافت. رژیم صدام بسیار مراقب واکنش‌های حوزه علمیه در خصوص این سیاست‌های خود به‌ویژه در سایه وخامت اوضاع عراق و عراقی‌ها در همه جای این کشور بود.

در این شرایط، بار مسئولیت بر دوش مرجعیت به دلیل حوادثی که بر مؤمنان و شهروندان عراقی در نقاط مختلف این کشور می‌گذشت، سنگین‌تر می‌شد. این رژیم از هر طریقی تلاش می‌کرد مانع ارتباط نامزدهای احتمالی برای جانشینی سید ابوالقاسم خویی با مقلدان، شان در داخل و خارج عراق شود. رژیم عراق مراکز درسی این افراد را بست و تعطیل کرد. مانع شد آن‌ها در مساجد نماز جماعت را برگزار کنند. کار به جایی رسید که از برگزار کردن کلاس‌های درس این بزرگان حتی در خانه‌هایشان که طالبان علم به آنجا مراجعه می‌کردند جلوگیری می‌شد.

در اواخر حیات آیت‌الله خویی، آیت‌الله سید مؤسسه خیریۀ آیت‌الله خویی در لندن شکل گرفت که انجام آن بسیار ضروری و به‌جا به نظر می‌رسید. این مؤسسه چند ماه پیش از وفات سید ابوالقاسم خویی فعالیت خود را آغاز کرد. در همین زمان، معظم‌له نامه‌ای را به هیأت امنای مؤسسه و فرزند خویش سید عبداللّٰه ابی‌الدّٰوود ارسال کرد که در آن روش و نقشه راه در خصوص فعالیت‌های مؤسسه را تبیین فرمودند.

هنوز ۲ سال از وفات سید ابوالقاسم خویی نگذشته بود که رژیم صدام بار دیگر متعرض فرزند آیت‌الله خویی، محمدتقی شد. ایشان هم‌چنان به راه سید ابوالقاسم خویی ادامه و پویایی بسیار زیادی در داخل و خارج عراق از خود نشان می‌داد. تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم رژیم صدام نتوانسته بود مانع ادامه فعالیت‌های ایشان شود تا این‌که آن‌ها یک حادثه تصادف در تیرماه ۱۳۷۳ ش (جولای ۱۹۹۴ م) برای او ترتیب دادند و ایشان را به شهادت رساندند. این‌گونه حلقه محاصره مرجعیت ثوبا تنگ‌تر شد. مؤسسه امام خویی با رهبری سید عبدالمجید، دبیر کل جدیدش، با اقدامات گوناگون

خود سعی می‌کرد شکاف‌هایی در این دیوار محاصره ایجاد کند تا اصولی که این مؤسسه بر پایه آن بنا شده بود، مستحکم شود، میراث دینی و مذهبی از نجف به محافل بین‌المللی راه یابد و نجف در محافل بین‌المللی هم‌چنان جایگاه خود را حفظ کند. این مؤسسه تلاش کرد سازوکاری ایجاد کند تا قدرت، سختگیری‌ها و ستم‌های رژیم را از حوزه دور کند. با وجود همه این احوال، این توطئه‌چینی‌ها باعث نشد بزرگان حوزه فعالیت دست بکشند، بلکه آن‌ها شروع به گسترش فعالیت‌های خود در زمینه‌های مختلف دینی، تربیتی و آگاهی‌بخشی کردند. در این میان، تلاش‌ها بر حفظ میراث آیت‌الله خویی، متمم و در طرح‌هایی برای اجرای آن در دو مرحله تهیه شد: مرحله نخست، جمع‌آوری میراث بود که در سینه‌های شاگردان آیت‌الله خویی، بزرگان کلاس‌ها، منبر و حوزه‌ها و آثاری که این اشخاص و کتابخانه‌هایشان قرار داشت. این افراد در نقاط مختلف جهان پراکنده بودند. ماه‌های نخست پس از وفات آیت‌الله خویی شاهد فعالیت‌های گسترده‌ای در نقاط مختلف دور و نزدیک جهان اعم از اروپا، ایران، سوریه، لبنان، کشورهای حاشیه خلیج فارس، افغانستان و پاکستان بود و شماری از پژوهشگران در جمع‌آوری این میراث فشرده داشتند. آن‌ها به مناطقی که این شاگردان حضور داشتند و برخی از آن‌ها حتی به متاسفانه بالای اجتهاد، پژوهش و تألیف نیز رسیده بودند، سفر می‌کردند تا این میراث را جمع‌آوری کنند. این همکاری بسیار همه‌گیر و همه‌جانبه بود، به گونه‌ای که برخی حتی ستنظر مانند نمایندگان و فرستادگانی نزد آن‌ها بروند تا این میراث را جمع‌آوری کنند و به آن‌ها بارسند، بلکه تنها با دریافت نامه‌هایی برای ارسال متن فتواها و احکام آیت‌الله خویی که نزد آن‌ها موجود بود و همچنین مطالبی در خصوص حوادث مربوط به خود آیت‌الله خویی و مرجعیت ایشان، آن‌ها این کار را انجام می‌دادند و همکاری‌های لازم را به عمل می‌آوردند. این عملیات مستندسازی، بسیار بزرگ و در نوع خود در خصوص زندگی‌نامه، آثار مراجع و ثبت مراحل زندگی‌شان از کودکی تا شاگردی در حوزه‌های علمیه و رسیدن به درجه استادی و مرجعیت، بی‌مانند و نخستین گام در این زمینه بود. این میراث در چندین

باب تدوین و ابتدا کتاب رثاءالقیم منتشر شد. این کتاب در برگیرنده قصیده‌هایی در رثای سید ابوالقاسم خویی و شامل برخی از جزوه‌هایی بود که ایشان به رشته نظم درآورده بودند.

کتاب بعدی، کتابی است که پیش روی ما قرار دارد با عنوان زعیم الحوزه العلمیه. در این کتاب زندگی‌نامه آیت‌الله خویی از ابتدای دوران کودکی در خوی و گذراندن دوران مقدماتی حوزه در مراحل ابتدایی، سطح و خارج و کتابت تقریرهای اساتیدش تا رسیدن ایشان به درجه استادی و مرجعیت، نوشته شده است. دکتر طراد حماده استاد دانشگاه بی‌لبنان و پژوهشگر در حوزه فلسفه و تصوف، مطالب این پژوهش را جمع‌آوری و تدوین کرده است. ایشان طی سفری ۳ هفته‌ای به ایران، به تهران، قم و مشهد مقدس رفت. طی این سفر با گروهی از علمای اسلام دیدار کرد و آن‌ها با وی در مورد مراحل زندگی سید ابوالقاسم خویی، تألیفات و تقریرهای ایشان سخن گفتند. گروهی از نخبگان، فضلا و نیروهای فعال در مؤسسه آیت‌الله خویی اقدام به بازنگری در این کتاب کردند. علامه سیدعبدالمجید خیری نیز مطالب جمع‌شده در این خصوص را مورد بازنگری قرار داد. اثر حاضر، خلاصه‌متنی است که بیشتر از دو برابر مطالب موجود در کتاب پیش رو است و سیدعبدالحسین خویی صلاح دید آن متن خلاصه شود تا فعالان حوزه علم و معرفت به راحتی بتوانند آن را مطالعه و دیگران نیز به منابع اصلی مراجعه کنند.

ما این اثر را که بخش دوم موسوعه آیت‌الله خویی است، در کتاب حاضر به چاپ می‌رسانیم. در تهیه این اثر از سخنان و گواهی شاگردان سید ابوالقاسم خویی و افراد نزدیک به ایشان استفاده شده است. هم‌چنین دیدگاه‌ها و مطالبی که ابوحمیدر سیدعبدالمجید خویی در این خصوص داشتند، در این کتاب می‌آید. مطالب این اثر افق‌های گسترده‌ای به روی مخاطبان برای فهم و درک بهتر اندیشه‌ها و موضع‌گیری‌های سید ابوالقاسم خویی و ارتباط آن با حوادث دوران زندگی‌شان از شاگردی تا استادی و مرجعیت و هم‌چنین سال‌های مرجعیت که حدود نیم قرن بود، می‌گشاید. هم‌چنین

حوادث ربع آخر زندگی پربار ایشان که شامل مرجعیت در تمام جهان اسلام است، نیز در این کتاب قرار دارد. ایشان به حق مرجع اعلا و بدون منازع در بیشتر جهان اسلام و جهان تشیع بودند.

کتاب حاضر گامی مهم در خصوص تألیف کتاب‌هایی در مورد زندگی‌نامه مراجع است. فرهنگ، دانش و آگاهی‌های متنوع و گسترده نویسنده در رشته‌های مختلف علوم اسلامی و سانی، غنای زیادی به این اثر بخشیده است؛ به‌ویژه این که ایشان در روش پژوهش و تألیف و همچنین روش فلسفی که در مورد اسفار اربعه ملاصدرا پژوهش کرده و موضوع این کتاب دکترا مؤلف (طراد حماده) در دانشگاه سوربون پاریس بوده است، دقت نظر و دانش داشته است. جدا از این، پیگیری‌های دقیق شهید عبدالمجید خویی نیز غنای زیادی به آن داده است. شهید عبدالمجید خویی با وجود مشغله بسیار زیاد، تا آن‌جا که توان داشت برای پژوهش در خصوص میراث آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی و مطالب، نوشته‌ها و پژوهش‌هایی که در این خصوص بود، زمان اختصاص می‌داد. برخی از این نوشته‌ها و پژوهش‌ها نیست چاپ در مجله النور را یافت و برخی دیگر در بخش‌های بعدی موسوعه آیت‌الله خویی در اختیار مخاطب قرار خواهد گرفت.

گفتنی است از نتایج پژوهش دکتر طراد حماده جلد اول با عنوان *رثاء القیم* منتشر شده است و جلد دوم با عنوان *امام سید ابوالقاسم الخوئی، رعی الحوزة همین* کتاب حاضر است و جلد سوم، با عنوان *السیاسة فی مرجعية الامام الخوئی* در حال آماده‌سازی برای چاپ و جلد چهارم *حوارات حول الامام الخوئی مع تلامذته* و در برگیرنده سخنان بزرگان حوزه‌های علمیه است که قبلاً شاگرد آیت‌الله خویی بوده‌اند. جدا از این، مجلدی‌هایی از این موسوعه نیز مربوط به تألیفات و تقریرات ایشان است که کار روی آن ادامه دارد و ان‌شاءالله به زودی به زیور طبع آراسته می‌شود.